

خدای سبزه‌زار و خدای خاشاک

احمد عدالتیان در ادامه مرور سوره‌های قرآن کریم به سوره مبارک اعلی (برتر) می‌رسیم که خداوند متعال در آیات یک تا ۵ آن می‌فرماید: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فَتَدْعُكَ وَالَّذِي أُخْرِجَ النَّعْمَ فَيُعَذِّبُهَا أَوْ يَخُوشِ» نام پروردگار بلندمرتبه‌ات را به یاک‌ی یاد کن، همان‌که آفرید و سامان بخشید و آن‌که [هر چیز را] اندازه‌ای نهاد و هدایت کرد. آن‌که چراگاه را رویانید و سرانجام آن را خشک و تیره کرد.»

بخش اول سوره اعلی، خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: نام خدا را تسبیح کن؛ زیرا او اعلی است. آفریده است، سامان داده و هدایت کرده است و تسبیح او، سبب رشد و پرورش است. خداوند، از هرچه گفته و نوشته و تصور شود، برتر است. خداوند، فقط خالق نیست، بلکه علاوه بر آن نظام‌بخش هستی و موجودات است. این آیات، سبزه‌زاری را مثال می‌زند که در دید ما خشک و تیره می‌شود، ولی در نظام هدایت الهی است؛ زیرا همان برگ‌های خشکیده به ماده دیگری تبدیل می‌شود که برای قوت زمین و درخت، لازم است یا در شرایط انبوه، تبدیل به زغال‌سنگ می‌شود یا آثار مفید دیگری در خاک دارد، بنابراین هدایت الهی در هر موجودی، چیزی قرار داده است که او را به راه تکامل خود پیش می‌برد؛ ذرات خاک میوه می‌شود، میوه، نطفه‌وسپس انسان می‌شود، جسم انسان دوباره خاک می‌شود. از نظام کهکشان‌ها گرفته تا نظام حاکم بر یک حشره ذره‌بینی و حتی یک برگ کوچک و خاشاک ناچیز هم به حال خود رها نشده است.

مشاوره

مرز صراحت و بی‌احترامی در زندگی مشترک

علیرضا وکیل‌آگاهی همسرم حرفش را باکنایه و طعنه می‌زند و وقتی می‌بیند من ناراحت شدم، می‌گوید: «من که چیزی نگفتم! اخلاقم همین است؛ خانواده ما هم همین‌طور حرف می‌زنند!» اما اگر این جمله برای گوینده عادی باشد و دل همسرش را بشکند، آیا می‌توان به بهانه عادت خانوادگی از کنار آن گذشت؟ خداوند با تأکید جدی می‌فرماید: «فَوَلُوا لِلنَّاسِ خُسْنًا، با مردم به‌نیکی سخن بگویید.» و با همسر به طریق اولی، باید هم با بیان درست و هم به شیوه صحیح، سخن گفت و حفظ حرمت کرد.

حالا چه‌کار کنیم؟

۱. از خودمان شروع کنیم. اگر انتظار داریم همسرمان از طعنه دست بردارد و انگشت اتهام را به‌سوی او گرفته‌ایم، گاهی باید به رفتار خودمان نیز برگردیم و نگاه کنیم. امام باقر(ع) در تبیین آیه «فَوَلُوا لِلنَّاسِ خُسْنًا، می‌فرمایند: «قَالَ فَوَلُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تَجِبُونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ... بهترین چیزی را که دوست دارید در مورد شما گفته شود، به مردم بگویید.» باید اول خودمان، هنگام ناراحتی، از تحقیر و کنایه پرهیز کنیم.

۲. به جای بحث درباره نیت، درباره اثر حرف صحبت کنیم. وقتی همسرمان می‌گوید «منظوری نداشتم»، لازم نیست وارد جدل طولانی شویم که قصدش چه بوده است. می‌توانیم بگوییم: «قبول دارم، شاید قصد ناراحت‌کردنم را نداشتی، اما این جمله واقعا دلم را شکست. دوست دارم اگر از من ناراحت هستی، مستقیم بگویی چه چیزی آزارت داده، نه اینکه با نیش و کنایه حرف بزنی.» این شیوه، هم نیت طرف مقابل را از پیش محکوم نمی‌کند و هم اجازه نمی‌دهد رنجش ما نادیده گرفته شود. نیکو سخن گفتن فقط به معنای دروغ نگفتن نیست؛ لحن و شیوه بیان نیز اهمیت دارد.

۳. به جای برجسب زدن، یک نمونه مشخص را مطرح کنیم. گفتن «تو همیشه بی ادبی» معمولاً بحث را به دفاع و مقابله می‌کشاند. اما می‌توانیم بگوییم: «وقتی جلوی خانواده‌ات درباره کار من کنایه زدی، احساس کردم کوچک شده‌ام.» این جمله روشن می‌کند که کدام رفتار باید تغییر کند، بدون اینکه شخصیت همسرمان را زیرسؤال ببرد. خداوند از عیب‌جویی و تمسخر نهی می‌کند: «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ، گروه دیگر را مسخره نکنند.» (حجرات، ۱۱). این هشدار یادآوری می‌کند که حتی در اختلاف و شوخی نیز نباید حرمت دیگری را شکست.

۴. خواسته‌مان را روشن و عملی بیان کنیم. گاهی فقط می‌گوییم «این قدر بد حرف زن!»، اما بهتر است جایگزین رفتار را هم توضیح دهیم: «اگر از کاری ناراحتی، همان را مستقیم بگو، لطفاً با کنایه و مقایسه کردن من با دیگران، حرفت را زن.» درخواست روشن، امکان عمل کردن را بیشتر می‌کند و بحث را از سرزنش به اصلاح می‌برد.

سیره بزرگان

عالمی که با کودکان، خدایی رفتار می‌کرد

سماه رضوانی|آیت‌الله‌العظمی‌محمدتقی

بهجت فومنی (۱۲۹۵-۱۳۸۸ ش) از مراجع تقلید و عارفان برجسته معاصر بود که با زهد و ساده‌زیستی کم‌نظیرش، شناخته می‌شد. رهبر شهید انقلاب در پیام تسلیت ایشان نوشتند: «آن بزرگوار که از برجستان مراجع تقلید معاصر به‌شمار می‌رفتند، معلم بزرگ اخلاق و عرفان و سرچشمه فیوضات معنوی بی‌پایان نیز بودند. دل نورانی و مصفا‌ی آن یارسای پرهیزکار، آینه روشن و صیقل‌یافته الهام الهی و کلام معطر او، راهنمای اندیشه و عمل رهجویان و سالکان بود.»

باین جایگاه‌والا نکته جالب در سیره او، توجه ویژه و نگاه متفاوتش به کودکان بود. روزی از ایشان پرسیدند: «با بچه‌ای که از دیوار راست می‌رود بالا و حرف‌گوش نمی‌کند، چه باید کرد؟» پاسخ ایشان، معیاری طلایی

برای تربیت ارائه می‌دهد: «همان‌طوری که توقع دارید خدا با شما رفتار کند، با این بچه‌ها هم همان‌طور رفتار کنید. این‌طور اگر نگاه کنید، دیگر زدن بچه‌ها یا بد اخلاقی با آن‌ها به‌خاطر اشتباه، بی‌معنی می‌شود. بچه هم احساس نمی‌کند که با بایش، درکش نمی‌کند.»

یعنی اگر ما انتظار داریم خدا در مقابل خطاها و بازیگوشی‌ها وغفلت‌هایمان، کریمانه، بخشنده و بردبار باشد، باید با فرزندان خود نیز چنین رفتاری داشته باشیم. شاید اگر والدین امروزی با این بینش به این موضوع نگاه کنند، طریقت و انعطاف بیشتری درباره کودکان پیدا کنند.

خاطرات نشان می‌دهد آیت‌الله در عمل نیز همین‌گونه بود. وقتی بچه‌ای را می‌دید، گل‌از گلش می‌شکفت، و به کودکان هفت‌هشت‌ساله به اندازه مردان بزرگ، احترام می‌گذاشت و آنان را با لفظ «شما» خطاب می‌کرد و حتی زمانی که در منزلشان روضه برگزار می‌شد، مقابل کودکان هم بلند می‌شد و خوشامد می‌گفت. این سیره، الگویی تربیتی برای هر کسی است که با کودکان در ارتباط است؛ احترام، درک و رفتار کرمیانه به جای خشونت و تحقیر.

شکر

شهریار NEWS IR
۱۴۰۵ مهرماه ۱۳۸۸
شماره ۲۸۷۷

۱۴



مهر

بررسی چگونگی هدایتگری ولی‌عصر (عج) در دوران غیبت

امام‌زمان (عج) ناظر بر اعمال ماست

گزارش

سماه رضوانی|یکی از پرسش‌هایپرامون دوران غیبت امام‌زمان (عج) این است که اگر امام حاضر نیست، هدایت و راهبری جامعه چگونه انجام می‌شود؟ پاسخ این پرسش را باید در احادیث و روایات پیدا کرد. براساس روایات، امام غایب از نظر، نه تنها از یاد امت خارج نمی‌شود، بلکه به‌گونه‌ای‌که خداوند مقرر کرده است، این هدایت از راه واسطه فیض، نمایندگان خاص و عام، الهام قلبی، نظارت بر اعمال و کمک در بحران‌ها انجام می‌شود. هر کسی می‌تواند با تقویت ایمان، توسل و اطاعت از علمای دین، از این هدایت بهره‌مند شود. امام غایب است، اما راهنمایی حاضر است و در امور بندگان، حضور و هدایت دارد. این هدایت گاهی از راه نمایندگان خاص و عام است، گاهی از طریق الهام و بیداری دل‌ها و گاهی با تصرف در امور به اذن خداوند.

رحمتی که همیشه جریان دارد

در روایات واحادیث، امام به‌عنوان واسطه فیض الهی معرفی شده است. پیامبر (ص) فرمودند: نخستین اوصیا، امام‌علی(ع) و آخرینشان، امام‌مهدی(عج) است؛ خدا دینش را با اهل بیت (ع) حفظ می‌کند. بن‌دگانش را با آن‌ها روزی می‌دهد، به‌خاطر آن‌ها باران را فرومی‌فرستد. یعنی ائمه، واسطه فیضی هستند که تمام برکات به‌خاطر آن‌ها حاصل می‌شود. روایات نشان می‌دهد که امام‌زمان(عج) در زمان غیبت واسطه فیض و روزی است؛ هرچند مردم از دیدن ظاهری ایشان محروم باشند.

آیت‌الله مصباح‌یزدی در این زمینه تعبیر لطیفی دارد: «اراده الهی بر این تعلق گرفته است که بعد از امام یازدهم، همه خیرات و برکات، در سایه امام‌زمان(عج) به مردم داده شود. وجود امام‌زمان(عج) به‌عنوان تشبیه، مثل کانالی است که آب‌از یک سرچشمه بزرگ در آن جریان پیدا می‌کند. سرچشمه نامحدود و بی‌نهایت، فیض خداوند متعال است. از سرچشمه هستی او در مجرا و کانال امام‌زمان(عج) آب جریان پیدا می‌کند و از آنجا جوی‌های کوچک به سایر خلایق اتصال پیدا می‌کند، پس درواقع وجود امام‌زمان(عج) در رحمت خداست. کسی که می‌خواهد از رحمت الهی استفاده کند، باید متوجه این در باشد.» (سخنرانی در حوزه علمیه دهلی/ ۱۳۸۲)

پنجشنبه‌های مهدوی

هدایت قلبی و الهام به بندگان خاص

براساس روایات، امام‌زمان (عج) فقط از راه واسطه‌های رسمی هدایت نمی‌کند، بلکه‌گاه دل‌های آماده را به نور خود روشن می‌سازد. خود حضرت می‌فرماید: «ما چگونگی استفاده از من در غیبتم، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرهان را از دیدگان، پنهان نگاه دارند.» حضرت حجت(عج) وجود خود را به خورشید تشبیه کرده است؛ همان‌گونه که خورشید، منشأ حیات موجودات و مایه گرمی و حرارت و نور و حرکت و... است و با نبود آن، حیات و زندگانی از موجودات رخت برمی‌بندد، حیات معنوی جامعه نیز از وجود امام‌زمان(عج) منشا می‌گیرد و بقای آن نیز به بقای وجود ایشان وابسته است.

حجت‌الاسلام والمسلمین عابدینی در این باره می‌گوید: «..... امام مثل خورشید پشت ابر است؛ کسی در آسمان نگاه کند، شاید خورشید را پشت ابر غلیظ نبیند اما می‌داند که روز است. نور خورشید و آثار خورشید در کار است و مردم آثار او را می‌بینند، لذا می‌فرمایند در زمان غیبت، امام(ع) مثل خورشید پشت ابر قرار می‌گیرد تا ارتباط مردم در استفاده از امام به‌گونه‌ای شود که هر زمان و هر مکان، امکان رابطه باشد.» (برنامه سمت خدا، ۵۰ ماه ۱۴۰۰)

حضور امام در میان مردم

شیخ صدوق به نقل از یکی از نواب خاص امام‌زمان (عج) روایت می‌کند که امام مهدی(ع) هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند و در میان مردم حضور دارد. ایشان مردم را می‌بیند و می‌شناسد، ولی مردم با اینکه او را می‌بینند، نمی‌شناسند. براساس این حدیث، حضرت حجت(عج) در متن زندگی مردم حاضر است، اما شناخته نمی‌شود. در این بین آنچه مهم است، این است که هرچه انسان بیشتر از گناه فاصله بگیرد و پاک‌تر شود، دل او آماده‌تر می‌شود تا هدایت امام‌زمان (عج) را در زندگی خود احساس کند و از برکات و جودی ایشان بهره‌مند شود. تقوا فقط یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه کلید ارتباط با امام غایب و بهره‌گیری از هدایت ایشان در دوران غیبت است. در واقع گناهان ماست که ما را از امام(ع) که منبع و نماد خوبی‌ها نیز نگهبان جامعه است و شهروندان پاک‌ی‌هاست، دور می‌کند و از آن طرف رو آوردن به نماز و عبادت و اطاعت خداوند ما را به باطن دین و کعبه‌که امام‌زمان (عج) است نزدیک‌تر می‌کند.

نظارت بر اعمال و دعا برای شیعیان

در احادیث آمده است که امام‌زمان (عج) از اعمال شیعیان آگاه است و برای آنان دعای می‌کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «اعمال بندگان هر روز بر پیامبر(ص) و امامان(ع) عرضه می‌شود، و همچنین امام‌مهدی(ع) در یکی از نامه‌های خود که خطاب به شیخ مفید(ع) نوشتند، به آگاهی کامل خود از احوال شیعیان اشاره کرده‌اند: «فَإِنَّا نَحْنُ نَحِيطُ بِحَيْثُ [عِلْمًا] بِأَتْيَاكُمْ وَ لَا يَفْزُبُ عَنْكُمْ ؕ مِنْ أَخْبَارِكُمْ، ما بر احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.» بنابراین حتی در زمان غیبت، امام از حال شیعیان غافل نیست. ناگفته پیداست که آثار تربیتی این اعتقاد که امام‌زمان (عج) ناظر بر اعمال ماست، انکارناشدنی است. بدیهی است آن شیعه‌ای که امام خویش را شاهد و ناظر بر اعمال خود می‌داند و به این مسئله اعتقاد دارد، همیشه تلاش می‌کند که مبادا با اعمال خود موجب ناراحتی امام خود شود و طوری رفتار می‌کند که وقتی اعمال او بر امامش عرضه شد، لبخند رضایت را بر لبان مبارک ایشان بنشانند.

امنیت؛ امانت الهی

را رعایت کند. امام‌علی(ع) در عهدنامه مالک‌اشتر به مالک فرمان می‌دهند که قلب خود را از رحمت به مردم سرشار کند و در عین قاطعیت، از خشونت بیجا پرهیزد. این سیره، الگوی کامل یک نیروی انتظامی اسلامی است.

همه‌شمانگهبان ومسئول یکدیگرید

نیروی انتظامی در انجام وظیفه خود، عامل مهم «امربه معروف و نهی‌ازمنکر» و گسترش فرهنگ قانون‌مداری است. قرآن کریم در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید: «وَتَقَوَّضُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، در نیکی و تقوا یا یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تجاوز، همکاری نکنید.» همچنین در آیه ۴۱ سوره حج، مؤمنان راستین را کسانی می‌داند که چون در زمین تمکین یابند، نماز برپا می‌دارند، زکات می‌دهند و امربه معروف و نهی‌ازمنکر می‌کنند. پلیس، در میدان عمل، مصداق این همکاری هستند. اجتماعی است. پیامبر اکرم(ص) نیز فرمودند: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ يَدِهِ... هرکه منکری را ببیند، باید با دست، زبان یا قلب خود



فصل دوم: چگونگی مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری است نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از ارکان مهم تأمین نظم و امنیت، در حقیقت مجری قانون و پاسدار حقوق شهروندان است. خداوند در آیه ۵۸ سوره نسائی فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ، همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.»

این آیه، منشور خدمت‌پلیس است؛ زیرا امنیت، امانتی الهی است که باید با عدالت، صداقت و بی‌طرفی به جامعه بازگردانده شود. در آیه ۵ سوره مائده نیز آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَقْوَامًا يَتَذَكَّرُونَ اللَّهُ شَهِدًا» بِالْقِسْطِ وَلَا تُحِبُّوا مَنَّهُمْ شَتَاءَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هَوَافًزَ لِلثَّقَلَيْنِ، ای مؤمنان! برای خدا قیام کنید و به عدالت شهادت دهید و دشمنی با گروهی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. عدالت، نزدیک‌ترین راه به تقواست.» پلیس مسلمان باید در برخورد با مردم، حتی با متهم و مجرم، اصل عدالت و کرامت انسانی

همه‌ما این حدیث را شنیده‌ایم که دو نعمت، مخفی هستند تا زمانی که از دست بروند: «سلامتی و امنیت» و هفته نیروی انتظامی فرصتی است تا از نزدیک، جایگاه امنیت را در آموزه‌های اسلامی بازخوانی و از کسانی قدردانی کنیم که با بیداری، ایثار و حضور خستگی‌ناپذیر خود، آرامش جامعه را پاس می‌دارند. در فرهنگ قرآنی، نعمتی الهی و امانتی سنگین بر دوش همه شهروندان است. همان‌گونه که خداوند در سوره قریش می‌فرماید: «فَلْيُعْزِدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتَ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ، پس باید پروردگار این خانه را بپرستند؛ همان‌که آنان را از گرسنگی سیر کرد و از ترس ایمن ساخت.» این آیه نشان می‌دهد امنیت، نعمتی است که شکرگزاری آن، تنها با سیاست‌زبانی حاصل نمی‌شود، بلکه به پاسداشت عملی و همگانی نیاز دارد. قرآن کریم در آیه ۱۱۲ سوره نحل نیز جامعه‌ای را که امنیت و آرامش خود را از دست می‌دهد، به شهری تشبیه می‌کند که به‌سبب ناسپاسی و گناه، لباس ترس و گرسنگی بر تنش پوشیده شد. پس امنیت، محصول نظم، قانون‌مداری و

درنگ